

بازخوانی آثار هنری با صیانت از گنجینه رضوی

ریحانه موسوی

امتداد خلق آثار هنری
محمد جواد استادی
نفس»، حرم مطهر رض
کشور داشت که در گرفته است. وی در ایام رضا(ص)، یکی از رویی
در کتاب پیماید معنوی هسته اولیه زیارت شکا
توسط هنرمندان شاخص امروز شاهد شکل گیرن
حرم هستیم.
وی به کاربرید لفظ «گنج
انقلاب و تأکید ایشان و افزود: «یک بیوند
وجود دارد؛ یعنی همه شریف امام رضا(ع) می
و اسلامی خلق شده اند
مبانی معرفی را ایجاد
بسیار فاخر است. شا
موسیقی، هنرهای م
متتنوعی است که در گرفته و تفاوت بینیادی هر نقطه از جهان که در یک دوره خاص و ت
درخشانی شکل گرفته و تمام شده است بوده

درخشش هنرمندان مشهدی در جشنواره بین المللی فیلم ۱۰۰

مشهد
بین ا
بر
زه
سید جواد اشکذری
عضو کانون ملی منتقة
نقد روز
کنند، کار بسیار است
رئالیسم باید به خود
آدم های درام خود را
بر نموده آید. «زهرما
تهیه کنندگی محم
تماشاخانه مایان
موفقی است که هر
از جامعه را نشان
روایتش، فضای د
ایجاد می کند. نما
صحنه، پی به ما
نمایانه تلقی ا

دوم «زهمرانی» هرچند است و می خندان نمی شود و یک تن می خنداند و گاه مخاطب را در شرایط شرایط او را می لرزان گاهی مارابه یاد ببر مضمون فراق می این و اشک می ریزید. دیالوگ های «زهر شدت می خنداند به شدت وحشتنا جذایت های «زه

سوم



محمد جواد استادی در نمایی از برنامه تلویزیونی «نقش نفس»

یک بخش مستند همراه با نریشن درباره موضوع ویژه آن قسمت، و بخش دیگر شامل حضور یک

از کارشناسان متخصص همان هنر که نکات خوب را بیان می‌کند. مگروهی از پژوهشگران را داده‌اند که در فضای دانشگاهی و تجربی در ایران کردیدم که در این حوزه از فضای دانشگاهی و تجربی در ایران بخوبی استفاده شود. به عنوان مثال، در این حوزه ضریح پوش ها در حرم که بسیار مهم است زهرا محسنی، نویسنده مهم ترین کتاب پژوهشی درباره ضریح پوشان، مهمان برنامه بود. در حرم عماری نیز سعیدمهرپویا، که در آستان قدس رضوی در این حوزه مسئولیت دارد و دانش آموخته رشت پژوهشگری عماری است، حضور داشت. به طبق کلی، تخصص افراد و میزان اشراف آن ها به هم هنر خاصی که در حرم است. مبنای دعوت ما تشکیل داد.»

وی اهمیت هنر رضوی و تلاش مكتب هنر رضوی برای بازخوانی این آثار را موضوع نخستین قسم برنامه «نقش نفس» بیان کرد و یادوارش: «از قسم دوم تا نهم، هر شب یکی از هنرهای ویژه در حرم بررسی شده است، از جمله صنایع فلزی، هنرهای چوبی، نقاهه خانه و نقاهه زنی، ضریح پوش ه کاشی های زرین فام، کتیبه نگاری ها، عمارت حجاری ها در قسمت پایانی، گزارشی درباره بازار ساز حرم و رسیدگی به این آثار در ایام کرونا ارائه شد. این راستا، گزارشی مكتوب با عنوان «عمارت خانه خورشید» تهیه شد که روند بازارسازی مجموعه روض

ملی به امیر روئینی، فیلم ساز مشهدی، برای فیلم «مشق هر روز» و تندیس بهترین فیلم داستانی ملی به حمید ملیحی برای فیلم «چشم چشم» رسید. در این مراسم افرادی همچون حجت الاسلام محمد قمی، رسول صدر عاملی، احمد رضا درویش، رضا میرکریمی، محمد رضا شریفی نیا، زاله صامتی، مجید زین العابدین، محمد حمیدی مقدم، محمد مقدمه‌هدی دادمان، علیرضا داوودنژاد، سید محمود رضوی، محسن اسلام‌زاده، مازیار

روند امداد یافته و از مان شهادت حضرت رضا^(ع) امروز خلق آثار فاخر هنری متوقف نشده است. نکته دوم، تبع هنرهاست: معمولاً در هر دوره، کشورهای مختلف آثار محدودی را در یک قالب مشخص ارائه کرده اند. اما در حرم همه هنرها وجود دارد. «این کارگردان معتقد است که زبان هنر همواره د تعامل با دین بوده و هنر ابزاری جدی برای انتقال عمومی معارف دینی محسوب می شود. اوراین باز اظهار کرد: «متأسفانه شناخت، پژوهش و اکاوی آثار هنری موجود در حرم، آن طور که باید، انجام نشده است. اگر بخواهیم این مسیر را دامنه دهیم و همچنان معارف معرفتی رضوی را به فرم های هنری تبدیل کنیم، لازم است بازخوانی از این گنجینه ارزشمند صورت گیرد. یکی از نخستین گام ها د این مسیر، جلب توجه نگاه های مختلف به این موضوع است. جدی ترین اقدامی که می توان د این زمینه انجام داد، این است که رسانه به کمک این جریان بپیدا و اهمیت این موضوع را شناسان دهد تا پژوهشگران، دانشمندان و علاقه مندان بتوانند آن را بازخوانی کنند.»

● **تلاش مکتب هنر رضوی برای باخوانی آثار هنری**
استادی بایان این مقدمه، برنامه تلویزیونی «نقش نفس» را اقدامی در راستای توجه به این مسئله بیان کرد و گفت: «هر قسمت از این برنامه ۳۰ دقیقه‌ای به یک هنر می‌پردازد و شامل دو بخش است
چهاردهمین جشنواره بین‌المللی فیلم ۱۰۰ درخشش سینماگران مشهد به پایان رسید. در مراسم اختتامیه این رویداد که با حضور هنرمندان صحابان آثار و چهره‌های سرشناس فرهنگی و هنری در تالار آندیشه حوزه هنری برگزار شد، جایزه ویژه هیئت داوران به فیلم «پیامبر» ساخته سجاد انتظامی تعلق گرفت. در این مراسم، مسعود دهنوی سینماگر خراسانی برای فیلم «عانقه» توانست برگزیده بخش ویژه فراصد: فلسطین آزاد شود

درخشش هنرمندان مشهدی در جشنواره بین المللی فیلم ۱۰۰

فرار از پله‌های اضطراری فقر

نگاهه به تئاتر «ز هر ما،» که این شب هاد، تماساخانه مایان، وی صحنه است



فکری مخاطب خود با موضوع نمایش بسیار کمک می‌کند. برخی از آن هادر نمایش هست و برخی هم به هر دلیلی در مبحث کارگردانی پرزنگ شنده‌اند. دو رنگ حاکم برنامایش سیاه و قرمز است. پلکان کنار زیرزین و سردههای سرکه قرمز هستند و پوشش بازیگران همگی سیاه. آن ها هر چند به خطای فوت مادرشان سیاه پوشیده‌اند. اما اگر مفهومی را بخواهیم به شخصیت‌های اثر بنگریم، دور بودن درون و بیرون آن آدم‌ها از رنگ‌های سفید و حتی خاکستری است که در فضاسازی نمایش تصویری از آندوه و غم ایجاد می‌کند.

در «زمهرماری»، مادر نماد است در مفهوم اما نه در محظوظ و نه در اجرا پر رنگ نمی‌شود و عقیمه می‌ماند و فقط در پایانی ترین لحظات نمایش مادر را می‌شود حس کرد. زمانی که دختر بد خاطر سقط جنین درد می‌کشد و فریاد می‌زند. میلاد در بی خودی ترین حالت خود، قمه را روی زمین می‌اندازد و دبه سرکه‌ای را روی صحنده می‌ریزد اما به جای سرکه، خونی تمام وجود می‌لاد را در بر می‌گیرد و میلاد چون جینی غرق در خون در فریادها و هیاهوی دردهای خواهش دوباره متولد می‌شود.

به خوبی با آن‌ها هم ذات پنداری می‌کنیم. با خنده‌هایشان می‌خندیم و با گریه‌هایشان اشک می‌ریزیم. نمایش، مخاطب را به درد فقر نزدیک می‌کند او را در شرایط روان کاوانه‌ای قرار می‌دهد. درام «زمهرماری» رضا بهاروند و احمد شلگی از سه موقعیت آغاز می‌شود. یک موقعیت زمانی که همه به خاطر چهلمین روز درگذشت مادر خانواده سیاه پوشیده‌اند. موقعیت مکانی نمایش مبتنی بر بزرگاری مراسم چهلم مادر در خانه اش است و موقعیت محظوایی درام بپایه کهنه شدن سرکه‌های مادر است که داستان نمایش را تغییر می‌دهد و سبب می‌شود ماهیت اعضاخانواده فاش شود. زبان و ویان آدم‌های نمایش با اینکه خیلی از لحاظ شخصیتی از هم دور ندید اما به گونه‌ای است که مخاطب با همه آن هارابطه برقرار می‌کند و حس نفرتی با هیچ کدام پیدا نمی‌کند. چون او تمام گناه آدم‌های نمایش را برگردان فقر می‌گذارد.

پنجم
طراحی صحنه نمایش از ویزگی های اثر محسوب
می شود که تمام معیارهای سبک واقع گرایابی را
در نمایش رعایت می کند و به نوعی خیلی وامدار
توضیحات صحنه در نمایشنامه است. قاب صحنه
به شکلی طراحی شده است که آدم ها از بالا به
پایین می آیند ابتدای نمایش و آخر نمایش از طریق
پلکان برای نجات خود از پایین به بالا می روند. به
نوعی پله های اضطراری یا پله های فوار کار برج ها
را در ذهن تداعی می کند. پله های قمر زنگی که در
پایان نمایش مفهوم فرار از درمانگی را در داستان
این آدم هاشان می دهد. طراحی صحنه به نوعی
است که زیرزمین بیشتر شبیه یک چاه و زندان
است که آدم هادر آن محصور شده اند یا به بن بست
رسیده اند. زیرزمین، یا اباری نماد فقری است که
هر چند براز و سایل است. اما هیچ کدام قرار نیست
در دی از آدم هایش دوا کند. در صحنه قفسه های
خاک خورده کتاب های پدر دیده می شوند.
نمایش اند شماره که ه جگام. اش خبر.

ششم
«زهمراری» و بیزگی های خوبی در زمینه کارگردانی
دارد که در مسیر داستان واقع گرای خود حرکت
می کند. از مهم ترین آن ها بازی های روان
سعید توکلی، محمد طهان، گلنزا نصیری و
سعید باصری است که تماشاگر به خوبی شخصیت
آن ها را باور می کند. «زهمراری» از ریتم و فضاسازی
خوبی برخودار است و سر پریا هنگ خود حرکت
می کند. توکلی در «زهمراری» تلاش می کند که هر
چند دقیقه اتفاق جذابی را برای مخاطب خود
رقم بزند. او در آخرین اثر خود در صحنه نور بازی
نمی کند. چون نمایش نمی خواهد و از طراحی
نورش به اندازه استفاده می کند. مانند موسیقی
نمایش که جایی از صحنه باید. ورود پیدا می کند
و تأثیر خودش را هم بر روی تماساگر ممکن می کند.

پنجم
طراحی صحنه نمایش از ویزگی های اثر محسوب
می شود که تمام معیارهای سبک واقع گرایابی را
در نمایش رعایت می کند و به نوعی خیلی وامدار
توضیحات صحنه در نمایشنامه است. قاب صحنه
به شکلی طراحی شده است که آدم ها از بالا به
پایین می آیند ابتدای نمایش و آخر نمایش از طریق
پلکان برای نجات خود از پایین به بالا می روند. به
نوعی پله های اضطراری یا پله های فوار کار برج ها
را در ذهن تداعی می کند. پله های قمر زنگی که در
پایان نمایش مفهوم فرار از درمانگی را در داستان
این آدم هاشان می دهد. طراحی صحنه به نوعی
است که زیرزمین بیشتر شبیه یک چاه و زندان
است که آدم هادر آن محصور شده اند یا به بن بست
رسیده اند. زیرزمین، یا اباری نماد فقری است که
هر چند براز و سایل است. اما هیچ کدام قرار نیست
در دی از آدم هایش دوا کند. در صحنه قفسه های
خاک خورده کتاب های پدر دیده می شوند.
نمایش اند شماره که ه جگام. اش خبر.

برای فرزندانش نبوده و به وسایل دوربین تبدیل شده اند. بدلهای سرکه‌ای که مرزی بین خوشبختی و بدختی آدم‌ها را تعیین می‌کند و نیز یک موتور از کار افتاده در صحنه که می‌توان نشانه‌هایی از پدر در آن دید که پول نداشته بنزینی را در او بریزد و بیشتر میلاد جوان، میل به حرکتی را بر روی آن جست و جو می‌کند.